

کتابخانه

۴

صد

جایگاه عالی شعر

حجاب دفاع از عشق

گفتاری از
دکتر رحیم پور ازغدی
پیرامون مسئله حجاب



صحیفه ۶۴: صدف ۴: تابستان ۱۴۰۴

حجاب، دفاع از عشق

گفتاری از دکتر رحیم پور ازغدی پیرامون مسئله حجاب
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

به کوشش: هادی مرادی فرهمند

طراح جلد: علی ناصری

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

قم . صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۵۵۳

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

بسم رب العرش الیم

مقدمه

حجاب و لزوم پوشیدگی زن و مرد در جامعه و در برابر نامحرم، از مهم ترین مسائلی است که جامعه کنونی را با خود به شدت درگیر کرده؛ تا جایی که ابعاد مختلف امنیتی و سیاسی نیز به خود گرفته است. اینکه مقوله حجاب، امری تصریح شده در آیات و روایات بوده بر کسی پوشیده نیست و کسی جز فرد ناآگاه یا ضددین منکر آن نخواهد بود؛ لکن عدم پذیرش آن از سوی مخالفین و عدم آگاهی از ابعاد حیاتی آن باعث شده است که رنگ و بوی جدی تری به خود بگیرد و در مقاطعی، جامعه را با فتنه های عمیق روبه رو کند.

مقایسه نگاه اسلام با ادیان دیگر به زن، حق که مردم از انتخاب نوع پوشش خود دارند، لزوم مجازاتی برای شکنندگان حریم حجاب، عدم اکراه در دین، ورود پلیس به مسئله حجاب و... از جمله مهم ترین مسائلی هستند که اذهان بسیاری را با خود درگیر کرده است. از همین رو، تبیین و روشنگری ابعاد مختلف مسئله حجاب بر یکایک مبلّغین و متخصصین لازم و ضروری بوده تا بر همگان - به ویژه نوجوانان و جوانان - روشن شود که نه تنها حجاب برای آن‌ها محدودیتی نخواهد داشت؛ بلکه پله ترقی و افتخار انسانیت آن‌ها نیز به شمار می‌رود.

منشور حاضر، گفتاری از دکتر رحیم پور ازغدی است که مسائل فوق الذکر پیرامون موضوع حجاب را مطرح و به آن‌ها پاسخ داده‌اند. پیشنهاد می‌گردد، پیش و پس از مطالعه این بحث، به مطالب دیگری که توسط استاد گرامی پیرامون مسئله حجاب مطرح گردیده مراجعه شود تا ضمن تکمیل بحث، به ابعاد مختلف آن پرداخته شود و به سؤالات ذهن خواننده پاسخ داده شود.



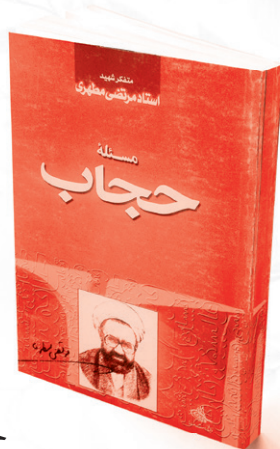
ارزش زن در اسلام و دیگر ادیان

[با نگاهی با ظاهر پوشش در جوامع غربی و مقایسه آن با جامعه کنونی ایران، ممکن است با خطای مقایسه‌ای مواجه شویم؛ چراکه آنچه امروزه در شبهه‌پراکنی‌ها بسیار به چشم می‌خورد، مقایسه آزادی پوشش در غرب و سخت‌گیری و محدودیت آن در اسلام است. اما باید توجه داشت که] **حجاب اسلام در برابر دیگر ادیان چیزی شبیه شوخی به نظر می‌رسد.** حجاب ایرانی قبل از اسلام به‌گونه‌ای بود که زنان طبقات متوسط به بالای جامعه، پس از ازدواج باید از پدر و از برادر خود نیز حجاب می‌گرفتند! هر چند این الزام در طبقات پایین و فقیر جامعه - به دلیل

بی ارزش بودن آنان در نگاه حاکمیت - وجود نداشت^۱. اکنون نیز بانوان زرتشتی که خود را مقید به احکام خود می دانند، بسیار پایبند به رعایت حجاب هستند.

همچنین در حال حاضر، متدینین به دین های یهودی و مسیحی نیز در سراسر دنیا نسبت به رعایت حجاب کامل مقید بوده و خود را ملزم به آن می دانند؛ زیرا در دین یهودی و مسیحی نیز رعایت حجاب واجب است^۲؛ همچنان که شُرب خمر در این ادیان حرام است^۳ و پیروان آن ها نسبت به آن بی توجه هستند. در قانون شریعت و کتاب مقدس، اگر زن با سرپهنه در ملاءعام دیده

شود یا با مرد ناهرمی صمیمی شود و یا صدایش به گونه ای بلند شود که همسایه بشنود، مرد



۱. مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری.

۲. همان.

۳. حکم شراب در دیگر ادیان: <https://portal.anhar.ir/node/۲۵۱۹۴>

در همان لحظه می‌تواند وی را طلاق بدهد^۱ و از خانه بیرون کند. علاوه بر آن، زن از هیچ مهریه و حقوقی هم برخوردار نبود.

در ایران قبل از اسلام و در شرق و غرب عالم، هنگامی که زن به دوران قاعدگی می‌رسید، با او مانند یک موجود خبیث رفتار می‌کردند؛ او را حبس کرده، روزی یک بار برای او آب و غذا می‌آوردند و حتی با او حرف نمی‌زدند!^۲ [زن، چیزی جز ابزار در دست مردان نبود] و مرد، زمانی مردانگی داشت که بتواند با زنان بیشتری ارتباط داشته باشد^۳ و از همین رو، حرم‌سراها در بین شاهان رواج داشته است. اسلام، به رابطه میان زن و مرد عدالت بخشید تا بتوانند با تشکیل خانواده، معقولانه [و متعهدانه] در کنار یکدیگر زندگی کنند. اسلام عادل، با تمامی این ظلم‌ها مبارزه کرد، حجاب را آسان کرده و پیروان خود را از سختی حجاب^۴ وارده در دیگر ادیان نجات داده است.

[بسیاری از افرادی که نسبت به این نگاه زیبای اسلام به زن و مقوله حجاب واقف نیستند و منتظر فرصتی هستند که از زیر بار حجاب شانه خالی کنند] کسانی هستند که برای خود، ارزش

۱. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰.

۲. مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری.

۳. همان.

و کرامتی قائل نیستند و اگر در جامعه، تا حدودی رعایت می‌کنند از ترس همان قانون و اجبار و الزام است و نه از ترس خدا و بی‌اخلاقی. درحالی‌که یک زن مؤمن - حتی اگر مسیحی، یهودی و زرتشتی تابع کتاب خود باشد - حجاب خود را رعایت می‌کند.

برخلاف گفته‌هایی که زنان دوران قبل از اسلام و صدر اسلام جزیره‌العرب را بدون حجاب معرفی می‌کنند، باید گفت که اتفاقاً باحجاب سختی هم مواجه بودند و سندی بر بی‌حجابی آن‌ها وجود ندارد. هر چند در برخی موارد، زنانی وجود داشتند که به‌عنوان فاحشه شناخته می‌شدند که برخی از آن‌ها مانند زن ابوسفیان از آنجا که بسیار ثروتمند و سرمایه‌دار بودند، بنا به رسم خود - نه برای پول - با رؤسای سرمایه‌دار ارتباط برقرار می‌کردند.^۱ در کتاب «سه سال در ایران» که بر اساس مطالعات بسیار مفصل و دقیق تاریخی و جامعه‌شناختی در ایران توسط «کنت دوگوبینو» نگاشته شده، ایران قبل از اسلام و در دوران زرتشت جامعه‌ای بسیار سخت‌گیر و بدون امنیت جنسی معرفی شده است. حکومت قبل از ایران به‌گونه‌ای بود که اگر کسی زن زیبایی در خانه داشت نمی‌گذاشت کسی از وجود او آگاه شود. حتی الامکان او را پنهان می‌کرد. زیرا اگر معلوم

۱. ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج ۴، صص ۲۷۵-۲۷۶.

می‌شد که خانم زیبایی در خانه هست، دیگر او مالک خانه و جان خودش و همسرش نبود. امروزه هم در کشورهایی که شعار برهنگی و آزادی جنسی را یدک می‌کشند، بیشترین ناامنی جنسی، هم‌جنس‌گرایی، خشونت جنسی و تجاوز هم در همان کشورها به ثبت رسیده است. از اینجا مشخص می‌شود اسلام نیامده است که حجاب را بر دیگران تحمیل کرده و آن را بر مردم سخت کند؛ بلکه با ارزش قائل شدن به مقام زن، اولاً آن را عمومی کرد و کرامت را به تمامی طبقات زنان تسری داد؛ ثانیاً آن را آسان کرده و زن را از محبوس شدن نجات داد تا اجازه دخالت و کنش‌گری در امور اجتماعی را نیز داشته باشد؛ ثالثاً به گونه‌ای به زن ارزش داد که بهترین و زیباترین احترام‌ها و پاداش‌های معنوی شامل حال او گردد. به عنوان نمونه، زنی که به صورت ماهیانه دوران قاعدگی را تجربه می‌کند، علاوه بر آنکه از انجام برخی از عبادات معاف شده است، پاداش‌های بسیاری برای متحمل شدن سختی‌های این ایام شامل حال او می‌گردد. [بنابراین، تفکر اسلامی و قرآنی در رابطه با موجود ارزشمندی به نام زن، بسیار متفاوت با تعابیری است که جاهلان و یا مغرضین از آن تعبیر می‌کنند.] شیطان بودن و یا مظهر شیطان بودن زن چیزی است که برخی از آن یاد می‌کنند؛ در حالی که نگاه اسلام به مقوله فساد، به هیچ عنوان زنانه

و یا مردانه نبوده و منحصر در هیچ یک نیست؛ بلکه [فساد امری بالقوه است که] به تعبیر قرآن کریم، هم مردان می‌توانند مظهر آن باشند و هم زنان: «**الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ... وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ**»؛ زنان خبیث و فاسد از آن مردهای فاسد و زنان پاکیزه از آن مردان پاکیزه هستند. پس زن و مرد، هم خبیث و پلید دارند و هم طیب و پاک. همچنان که قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «**مَنْ ذَكَرَ أَوْ أُتِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ**» هر کس از شما عمل صالح بکند و ایمان داشته باشد، «**فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً**» ما او را احیا می‌کنیم.

نگاه اسلام به زن و مرد، نگاهی است که بین حضور آن‌ها در خانواده و اجتماع تفکیک قائل شده است. زنان مسلمان [به معنای حقیقی کلمه] دوست ندارند که نگاه مردان به آن‌ها در جامعه یک حالت جنسی داشته باشد. آن‌ها دوست دارند که نگاه دیگران به آنها، در وهله اول نگاه به انسانیتشان باشد و معتقدند که مسائل مربوط به جنسیت زن و مرد، برای حریم خصوصی بوده و منحصر در داخل خانواده است؛ نه خیابان و پارک و دانشگاه. هرچند مسائل جنسی، بخش کوچکی از مسائل خانواده را تشکیل می‌دهد و نگاه اخلاقی، انسانی و حقوق

۱. سوره نور، آیه ۲۶.

۲. سوره نحل، آیه ۹۷.

مقابل زن و شوهر - که در قرآن و روایات ذکر گردیده - بخش‌های مهم دیگر آن به شمار می‌روند. در وهلهٔ دوم دوست دارند که احترامشان حفظ گردد؛ به گونه‌ای که نگاه دیگران به آنها، نگاه توهین‌آمیز و جنسی نباشد. پس تمامی انسان‌ها، فارغ از زن و مرد بودن، باید به گونه‌ای در اجتماع حضور داشته باشند که زنانگی و مردانگی آن‌ها برجسته نباشد و از این طریق، امنیت آن‌ها فراهم شود؛ برخلاف کشورهای غربی که حضور برهنهٔ زنان در جامعه، هیچ یک از نگاه انسانی، احترام و امنیت را برای آن‌ها به ارمغان نیاورده است.

حضور موفق زن در جامعه و کسب مزایای فوق (انسانیت، احترام و امنیت)، اگر تنها به جهت زیبایی او باشد، باید آن را محدود به زیبایی او دانست و فقط تا زمانی که زیبایی او پابرجاست می‌تواند از آن‌ها بهره‌مند باشد؛ در غیر این صورت، دیگر نمی‌توان زنان را از این ثمرات برخوردار دانست و زن مجبور است تا به هر وسیله‌ای خود را زیبا جلوه دهد تا از جامعه طرد نشود.

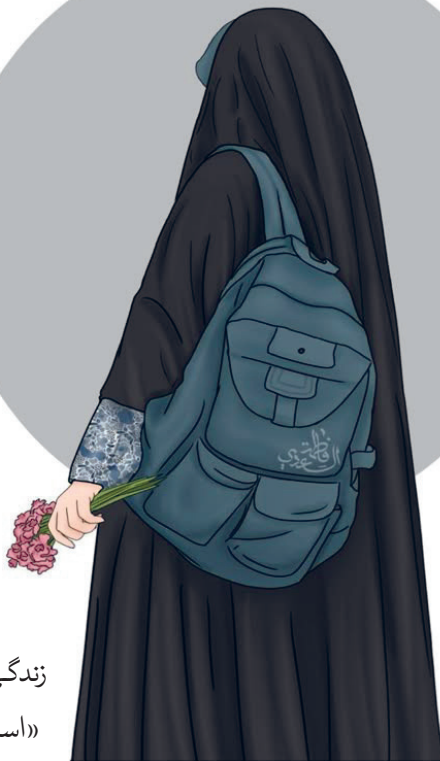
از نگاه اسلام، زیبایی زن و مرد به زیبایی روح و شخصیت آن‌ها بازمی‌گردد تا زمانی که از موهبت

زیبایی هم برخوردار نبوند، احترام، شخصیت، امنیت و انسانیت آن‌ها حفظ شود.

با این سخن، حجاب نه تنها محدودیت به شمار نمی‌رود؛ بلکه می‌تواند علاوه بر ترقی‌ها و پیشرفت‌های زنان در جامعه، حفظ شخصیت و احترام مضاعف آنان را نیز به دنبال داشته باشد. همچنان که در ایران امروز این امر به وفور مشاهده می‌شود؛ تا جایی که ۶۴ درصد دانشجویان در دانشگاه‌های ایران را بانوان تشکیل داده و در بسیاری از مشاغل نظیر پزشکی، پرستاری، مهندسی، ادبیات، تدریس در مدرسه و دانشگاه و حتی در مشاغل سیاسی جزء و کلان، صاحب‌منصب و شغل بوده و نقش‌آفرینی می‌کنند. همچنین بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران را این قشر تشکیل داده و حتی در مسابقات و المپیادهای علمی [و ورزشی] در رشته‌های مختلف در سراسر دنیا، صاحب رتبه و مدال شده‌اند. [همه اینها در حالی است که حجاب و پوشش، نه تنها محدودیتی برای آنها ایجاد نکرده؛ بلکه احترام و شخصیت آنها را به سمت انسانیت آنها - و نه جنسیت آنها - سوق داده است.]

حق انتخاب

بسیاری از مخالفین حجاب و پوشش برای بانوان در جامعه، برای گریز از آن به نظریاتی متوسل می شوند. «حق انتخاب نوع پوشش» یکی از بهانه هایی است که به هنگام مواجهه با متذکران بی حجابی به میان آورده می شود. در پاسخ باید به ایشان گفت که قبل از حق انتخاب نوع پوشش، انتخاب های دیگری هم داشته اند. کسانی که به عنوان یک مسلمان در یک جامعه اسلامی زندگی می کنند، قبل از آنکه نوع پوشش خود را انتخاب نمایند، «اسلام» و «زندگی در یک کشور اسلامی» را پذیرفته اند.



کسانی که خود را چه مسلمان و چه پیرو دیگر ادیان (مسیحی، یهودی و زرتشتی) بدانند؛ اما چیزی به نام حجاب را قبول نداشته باشند، باید بدانند که بر اساس لزوم رعایت حجاب در کتب این ادیان (همان‌گونه که پیش‌تر گذشت)، باید مقید به آن باشند و در کنار رعایت تحمل حجاب، از اجر و پاداش الهی آن نیز بهره‌مند باشند؛ بنابراین، کسانی که خود را مسلمان می‌دانند؛ لکن خود را ملزم به رعایت دستورات آن نمی‌دانند، باید اشکال را متوجه خود آن‌ها دانست. مگر می‌شود که فردی خود را مسلمان بداند، اما بگوید دزدی، دروغ، ربا و... نیز اشکالی ندارد و یا اعتقادی به دستورات اسلام نداشته باشد؟! در این صورت نمی‌توان نام اسلام و مسلمانی را بر روی آن گذاشت. این چیزی جز کلاه‌برداری نخواهد بود.

اما کسانی که خود را مسلمان می‌دانند و حکم خداوند را نیز قبول دارند؛ لکن تنبل بوده و نمی‌خواهند بدان پایبند باشند و به قول خود می‌خواهند جهنمی شوند باید بدانند که اگر خود می‌خواهند به جهنم بروند، بروند، اما حق ندارند دیگران را نیز با خود به جهنم ببرند! کسی که با پوشش نامناسب در ملاءعام حاضر می‌شود، مردان با دیدن او تحریک شده و به گناه دچار می‌شوند و حتی ممکن است ۱. یک اصلی وجود دارد که هر کس در مسیر حق و تکامل بیشتر، مشکلات بیشتری را متحمل شود، هم پاداش بیشتری دارد و هم بیشتر رشد خواهد کرد.

است به فروپاشی کانون خانواده ای منجر شود. پس کسانی که به اسلام و حکم حجاب ایمان دارند، باید به دو دلیل نسبت به حجاب اهتمام داشته باشند: اولاً به دلیل حکم خداوند و ثانیاً به دلیل رعایت حق دیگران. این نکته مانند این می ماند که شخصی بخواهد با عبور از چراغ قرمز، جان خود را به خطر بیندازد؛ درحالی که این کار، جان دیگران را نیز به خطر می اندازد.

از سوی دیگر، اگر این افراد خود را متدین به هیچ دینی نمی دانند، باید نسبت به انتخاب دوم خود، یعنی «زندگی در یک کشور اسلامی» واقف باشند. کشوری که همچون تمامی کشورهای دیگر جهان بر اساس قوانین متعددی تشکیل شده و تمامی آحاد جامعه ملزم به رعایت آن‌ها هستند. حتی اگر به قوانین کشور خود اعتقادی نداشته باشند، باز هم موظف به رعایت آن‌ها هستند. این امر، منحصر به جامعه ایران نبوده و در تمامی کشورهای دنیا مردم موظف به رعایت قوانین آن کشور بوده و در صورت تمرد از قانون، با شدیدترین مجازات‌ها مواجه خواهند شد.

دلیل این لزوم به اینجا ختم نمی شود و مصلحت جامعه نیز لزوم حفظ پوشش را ایجاب می کند. عفت عمومی، حق است که تمامی آحاد جامعه به گردن یکدیگر دارند. [در مقایسه کشورهای اسلامی - به ویژه ایران - با کشورهای غربی که بی حجابی در آن‌ها به صورت آزاد و گسترده انجام

می‌گیرد، بسیار روشن است که یکی از مهم‌ترین دلایل فروپاشی خانواده و تجاوزات بی حد و اندازه‌ای که در آن جوامع صورت می‌گیرد، به همین مهم باز می‌گردد.

[بر اساس آنچه گفته شد، پاسخ بسیاری از سؤالات مرتبط با حق انتخاب نوع پوشش و نحوه حضور در اجتماع روشن می‌شود. حضور بانوان در ورزشگاه هم جزو این دسته از مسائل است که برخی به اسم حق حضور بانوان، آن را مطرح می‌کنند.] درحالی‌که هر چند این حضور، همچون حضور بانوان در اماکن دیگر جامعه به شمار می‌رود و ذاتاً حرامی متوجه آن نیست؛ [لکن آنچه موجب نگرانی برای دغدغه‌مندان شده است] بحث مدیریت محیط در ورزشگاه است که در مقایسه با دیگر اماکنی که بانوان در آن‌ها حضور پیدا می‌کنند بسیار متفاوت است. اینجاست که این حضور باعث شده حکم به حرمت آن داده شود. از سوی دیگر، حرام و حلال به فضای سیاحتی و زیارتی بودن شهرها هم ارتباطی ندارد. حرام، در همه شهرها حرام است و حلال هم هر جا باشد حلال است. مهم، کنترل محیطی است که امکان فساد در آن وجود دارد؛ خواه ورزشگاه و کنسرت باشد و خواه اماکن زیارتی. پس کنترل و مدیریت محیط همان چیزی است که باید در این دسته از فضاهای اجتماعی صورت گیرد تا آسیبی متوجه مردم نگردد.

مجازات بی حجابی

ممکن است بسیاری سؤال کنند که اگر حجاب واجب است و عدم توجه به آن تبعات بسیاری به دنبال دارد، چرا در منابع و متون اسلام، سخنی در رابطه با مجازات بی حجابی به میان نیامده است؟ روشن است که این نوع بی حجابی که اکنون به عنوان نماد اباحه‌گری مادی و غربی و ترویج فحشا در قالب مسئله آزادی زن و مبارزه با حجاب مطرح شده است، در بدو اسلام به هیچ عنوان وجود نداشته و چیزی به نام بی حجابی امروزی مرسوم نبوده است. تنها چیزی که وجود داشت، پوشش ناقصی بوده که در آن، مقداری از گردن بیرون بود و از همین جهت آیه معروف «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» نازل گردید.

[در شأن نزول آیه فوق آمده است که جوانی از انصار در مسیر با زنی روبه‌رو شد. در آن روز، زنان مقنعه خود را در پشت‌گوش‌ها می‌انداختند (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد). چهره آن زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت، جوان همچنان با چشمانش او را بدرقه می‌کرد. درحالی‌که راه خود را ادامه می‌داد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، هنگامی که وارد کوچه تنگی شد ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم. هنگامی که چشم رسول خدا به او افتاد فرمود: چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق را آورد.]

[اما همین مقدار پوشش ناقص نیز از منظر پیامبر اکرم به‌دور نمانده و در کنار کار فرهنگی، اقدامات حکومتی را نیز برای کنترل آن اعمال می‌کردند. به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره

کرد: دستور حاکمیتی اجرای الگوی پوشش مناسب در انتصاب عمرو بن حزم در ین^۱ - ارائه دستوراتی برای پوشش عمومی زنان در جامعه و حتی مراقبت از زنان در عبور و مرور از کوچه‌ها (به نقل از جابر بن عبدالله که خود نیز گواه احکام حاکمیتی در الگوی پوشش بوده است)^۲ - دستور پیامبر به زنان، جهت عدم استعمال عطر در مساجد (هنگام خروج از مسجد دیرتر خارج می‌شدند تا زنان محوطه را ترک کنند)^۳].

با این سخن، ترمذ از دستور الهی، قطعاً شامل مجازات اخروی خواهد بود و در روایات و متون دینی نیز به مواردی از این مجازات‌ها اشاره شده است. اما مجازاتی که در دنیا بتوان برای این مسئله وضع کرد، حق است که به دلیل برخورداری آن از جنبه اجتماعی، تمامی حکومت‌ها برای خود قائل بوده و نظام اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. با این تفاوت که قانون‌ها و مجازات‌های وضع شده از سوی حکومت‌های غربی، بر ضد خانواده و اخلاق بوده و قانون‌ها و مجازات‌های وضع شده از سوی حکومت اسلامی، در جهت تحکیم بنیان خانواده و اخلاق در جامعه است. قوانین

۱. میاچی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۵۲۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۳. سنن ابی داوود، ج ۷، ص ۵۴۳.

آن‌ها برای تجارت زیبایی و جمال زن است؛ درحالی‌که قوانین نظام اسلامی برای دفاع از زیبایی و جمال زن است.

با نگاهی عمیق‌تر نسبت به این تفاوت در قانون‌گذاری نظام اسلامی و نظام‌های غربی، بهتر است آن را از منظر مبانی فکری نیز مورد دقت نظر قرار داد. با این بیان که نظام غرب، مبتنی بر مکتب لیبرالیسم است و بر اساس این مبنا، حق وضع قوانینی بر علیه حجاب ندارد؛ زیرا آزادی، محوریت این مبنا را تشکیل داده و بر طبق آن، پوشش و عدم پوشش باید برای مردم آن جامعه آزاد باشد؛ درحالی‌که این‌گونه نیست. اما نظام اسلامی که بر مبنای آموزه‌های اسلامی - و نه لیبرالی - پایه‌گذاری شده است، بر اساس قوانین الهی باید نسبت به قانون‌گذاری اقدام نماید تا از دنیا و آخرت جامعه محافظت نماید.

[رفتارهایی که جنبه عمومی پیدا کرده و می‌توانند در جهت اخلاق، آرامش و هنجارهای عمومی اثرگذار باشند، نباید از توجه یک حکومت در قالب قانون‌گذاری به‌دور باشند. زیرا بسیار واضح است که در صورت نبودن قانون و یا تمرد از قوانین وضع شده، رفتارهای دلخواه و مبتنی بر خواسته‌های نفسانی ظهور پیدا کرده و اختلال در جامعه را به دنبال خواهد داشت.] از سوی

دیگر، بی‌حجابی رفتاری است که اگر در جامعه پذیرفته شود و قانون نیز به آن کاری نداشته باشد، انتهایی برای آن نمی‌توان تصور کرد. با این بیان که اگر قانونی برای این امر متصور نباشد، فرد هنجارشکن حدی برای پوشش خود قائل نخواهد بود و کسی نیز نمی‌تواند در مقابل پوشش او - که ممکن است حتی به برهنگی نیز برسد - بایستد.

چیزی که به نام «حد» در منابع دینی از آن سخن به میان آمده با «تعزیر» تفاوت بسیاری دارد. حدود وارد شده، بسیار محدود هستند و منحصر به برخی از مجازات‌های خاص می‌باشند که در اسلام وارد شده است؛ اما تعزیر به معنای تأدیب و مجازات بازدارنده‌ای است که بر عهده حکومت واگذار شده است و بنا به شرایط زمانی، مکانی و... و با در نظر داشتن اصول آن - همچون عفت و اخلاق عمومی، حفظ خانواده، پوشش و... - تعیین و ابلاغ می‌شود. مجازات‌هایی که در این راستا نیز تعیین شده‌اند، در مقایسه با مجازات‌های کشورهای دیگر بسیار آسان بوده و در موارد بسیاری حتی اجرا نمی‌شوند!

برخلاف کشورهای دیگر دنیا که قانون‌شکن را با شدیدترین اعمال مجازات می‌کنند، در جامعه کنونی ایران، کسی که در این میان به عنوان مأمور و مجری قانون در صدد اجرای قانون بوده

و بنای مقابله با قانون شکنی دارد، شاید دارای نقاط ضعفی باشد و در برخی از برخوردهای خود آن گونه که باید عمل نکند؛ اما در اغلب موارد بسیار مظلوم واقع شده است. [بنابراین، عدم قاطعیت در اجرای قانون از سوی مردم و مجریان قانون، مهم ترین ضعفی است که اکنون گریبان گیر جامعه در راستای مسئله حجاب شده است.]



کنترل نگاه

کسی که با نامحرم مواجه می‌شود، ممکن است که در مشاهدهٔ اول او را ببیند و این هیچ اشکالی ندارد؛ [زیرا مشاهدهٔ اطراف، امری غریزی و جزو طبیعت زندگی آدمی است. باید در نظر داشت که میان «نگاه کردن» و «دیدن» فرق بسیاری وجود دارد. مشاهدهٔ بدون توجه را «دیدن» و مشاهدهٔ همراه با توجه را «نگاه کردن» می‌گویند.] اما کسی که به محض دیدن، نگاه خود را مجدداً به نامحرم انداخته و آن را دنبال می‌کند، قطعاً جای اشکال است و باید کنترل گردد. این امر، تنها خطاب به مردان نیست؛ بلکه زنان نیز همچون مردان باید نسبت به کنترل نگاه و کنترل رفتار جنسی خود مراقبت نمایند. علاوه بر آن، زنان باید زیبایی‌ها و جذابیت‌های خود (به جز صورت و دست‌ها تا میچ که خواه‌وناخواه ظاهر هستند) را از نامحرم پنهان کنند. پس دستور به پوشش و کنترل نگاه از سوی مردان و زنان، به معنای سرکوب جنسی نیست؛ بلکه معنای مدیریت رفتار جنسی است.

حجاب و نوع پوشش، مستقیماً به اخلاق جنسی مربوط می‌شود و اخلاق جنسی به دنیا و آخرت انسان‌ها مربوط می‌شود. چه بسا کسانی هستند که با یک یا دو نگاه، عاشق نمی‌شوند؛ بلکه اعتیاد به این نوع نگاه پیدا می‌کنند. کسی که عاشق می‌شود، پیشنهاد ازدواج داده و اسلام هم برای آن هیچ حدی تعیین نکرده است. نژاد، ملیت، قومیت، زبان و... هیچ مانعی در ارائهٔ پیشنهاد ازدواج به شمار نمی‌آیند و تنها چیزی که اهمیت دارد، هم‌کفو بودن، درک متقابل، تحمل یکدیگر و زندگی در مسیر الهی است.

حجاب، [برخلاف تصور برخی که آن را سخت‌گیری و خلاف آزادی تعبیر می‌کنند] دفاع از بدن زن، کرامت زن و حقوق زن است. ممکن است گفته شود حجاب مانع کار و پیشرفت زن است و به نوعی برای او دست‌وپاگیر خواهد بود. اولاً واقعیت امر، خلاف آن را ثابت کرده است و ثانیاً بالعکس، بی‌حجابی دست‌وپاگیر زنان برای پیشرفت است (البته حجاب‌های ایرانی و هندی و بعضی از فرهنگ‌های دیگر قبل از اسلام و غیر از اسلام دست‌وپاگیر بود). چادر، بسیار خوب است؛ اما واجب نیست؛ زیرا اسلام دستور به پوششی داده است که نظر نامحرم را جلب نکند و با توهین جنسی او مواجه نگردد. همچنان که در کشورهای مختلف اسلامی نوع پوشش زنان از نظر

رنگ، جنس، مدل و... متفاوت بوده و همگی نوعی پوشش و حجاب به شمار می‌روند. گفتنی است در مواجهه با نامحرم اگرچه حداکثر پوشش نیز رعایت گردد، خواه‌وناخواه تمایزات جنسی برای دو طرف جذاب خواهد بود؛ لکن در این میان باید توجه داشت که غریزه و طبیعت مرد را نمی‌توان انکار کرد و لذا باید همیشه نسبت به کنترل نفس اقدام کرد.

پس آیات قرآن که نسبت به کنترل نگاه متذکر می‌شوند، در رابطه با نوع پوشش نیز مواردی را بیان داشته‌اند. برخلاف تصور برخی از ناآگاهان، آیاتی که دستور به پوشش زنان می‌دهند، صرفاً دستور به زنان حضرت رسول اکرم نیست. «مُحْرًا»، یکی از واژگانی است که پوشش زنان را با آن متذکر می‌شود و مصداق بستر (پوشش) به شمار می‌رود. آیه‌ای که خطاب به زنان پیامبر اکرم نازل شده هم اشاره به داستان دیگری دارد که شأن نزول آن در این مقال نمی‌گنجد. تنها به این نکته اکتفا می‌شود از آنجا که زنان حضرت موظف به روی‌گیری از کسانی بودند که به صورت سرزده به منزل حضرت وارد می‌شدند، می‌بایست به هنگام سخن با نامحرم، به‌گونه‌ای سخن بگویند که دل‌های بیمار، جذب طنین صدا و سخنان آنان نشود. زن می‌تواند چنان محکم و قاطع حرف بزند که مردان بیمار دل جرأت بهره‌برداری از هم‌سخنی با وی نداشته باشند.

۱. روسری که تا گردن و سینه با آن پوشانده شود.

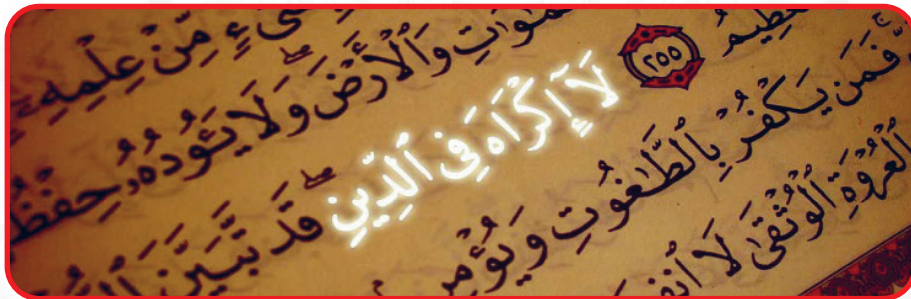
بد حجاب مسلمان

گاهی تصور می‌شود کسانی که نسبت به مقولهٔ حجاب اعتقادی ندارند و یا نسبت به رعایت آن بی‌توجه هستند، از اسلام روی گردان بوده و ضد دین و اهل فساد و فحشا هستند! واقعیت امر این گونه نیست و اتفاقاً بسیاری از بانوانی که حجاب کامل ندارد، مسلمان بوده و خود را مقید به رعایت بسیاری از احکام و آداب دینی می‌دانند. هستند کسانی که تقید به برخی از احکام اسلام برایشان سخت بوده؛ لکن در اموری نظیر نماز، روزه، زیارات، ادعیه و... مقید می‌باشند. ظاهر این افراد، شاید بی‌دین به نظر برسد؛ اما در واقع کسانی هستند که خود را مسلمان می‌دانند و به دلایل مختلفی تنها به برخی از دستورات اسلام بی‌تفاوت شده‌اند. متشرعین و متدینینی که مقید به ظواهر هستند نیز از این امر مستثنی نبوده و ممکن است نسبت به برخی از دستورات شرع، بی‌تفاوت گردند.

پس به هیچ‌عنوان نمی‌توان این افراد را به بیدینی و اهل فساد بودن محکوم کرد. زمانی که از علت این بیتفاوتی سؤال می‌شود، اغلب این افراد، از سخت بودن زندگی با پوشش کافی سخن می‌گویند. درست است؛ زندگی با رعایت آداب و دستورات شرع برای هر کسی می‌تواند سخت و ملال‌آور باشد. کسی که خودش را بپوشاند و مراقب باشد که یک مردی مدام در جامعه به او خیره نشود، معلوم است که آسان نیست. این سختی، تنها منحصر به حجاب نیست؛ بلکه بسیاری از وظایف و مسئولیتهای دینی که بر عهدهٔ بندگان گذاشته شده است نیز به آسانی محقق نمی‌شوند. نماز، روزه، جهاد و... هم سخت هستند. کسی که در ماه رمضان و در گرمای روز، زمانی گرسنه و تشنه می‌شود، قطعاً برای او سخت است که از خوردن و آشامیدن لذت برد. اما این سختی چه حکمتی دارد؟ زمانی که انسان به خاطر رعایت شریعت، از افتادن در سختی اجتناب می‌کند، اینجاست که تفاوت اساسی میان او و حیوانات مشخص می‌شود. حیوان به هنگام گرسنگی، هر چه خواست را می‌یابد و مصرف می‌کند؛ اما انسان روزه‌دار از مبطلات دوری می‌کند و در جامعه از سختی حجاب استقبال می‌کند تا بعد حیوانی انسان در تصرف روح او قرار گیرد. اینجاست که انسانیت شروع می‌شود و مقوله‌ای به نام «رشد انسان» موضوعیت

پیدامی‌کند. این رشد، مهم‌ترین هدف همان انبیاء و اولیای الهی است که قرن‌های متمادی انسان‌ها را بدان دعوت کرده‌اند. آمده‌اند بگویند که انسان، چند دهه‌ای بیشتر در این دنیا زندگی نمی‌کند و «ابدیت» در پیش دارد. اگر آن‌گونه که حیوان در دنیا زندگی می‌کند، انسان هم بخواهد بدون توجه به آموزه‌های انسان‌ساز زندگی کند، چیزی جز هلاکت و خسران ابدی در انتظار او نخواهد بود.

[حجابی که اکنون تمامی دشمنان به دنبال نابودی آن هستند، چیزی نیست که به راحتی به دست آمده و حفظ شود.] بانوان بزرگی [که در تاریخ اسلام نام آن‌ها می‌درخشد] نظیر حضرت سمیه اولین زن شهید در اسلام، زیر سخت‌ترین شکنجه‌های دشمنان، حاضر نشدند از دین خود دست بردارند و از توحید و اخلاق و عدالت دفاع کردند. در تاریخ انقلاب نیز بانوانی چون خاتم مرضیه دباغ که بدترین شکنجه‌های ساواک را تحمل کردند، حاضر نشدند حجاب خود را بر زمین بگذارند. در دوران جنگ تحمیلی هم جوانان این مرزوبوم، زیر بمباران شیمیایی جنگیدند تا جامعه پاک بماند و خانواده‌ها حفظ شوند.



لاِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

آیا با نگاه به آیه شریفه قرآن کریم که دین را امری زوری و اجباری نمی داند، می توان بر عدم اجبار پوشش استدلال کرد؟ با نگاهی نه چندان دقیق به این مهم رهنمون می شویم که منظور آیه شریفه، عدم اکراه در پذیرش اصل دین است؛ نه اینکه کسی دین را پذیرفته باشد و نخواهد به دستورات آن مقید باشد! معنای آیه این است که کسی به زور دین دار یا بی دین نمی شود. نمی توان با زور مؤمنی را کافر و کافری را مؤمن کرد و این، ربطی به قانون [و احکام شریعت] ندارد. پس معنای آیه این نیست که کسی مسلمان باشد و شهروند ایرانی هم باشد؛ اما نخواهد قوانین را رعایت کند! به او می گویند مالیات بده و او بگوید لاِکْرَاهَ فِي الدِّينِ! به او می گویند دزدی نکن و او بگوید لاِکْرَاهَ فِي الدِّينِ! [با چنین سخنانی، جامعه به هرج و مرج دچار خواهد شد.]

کسی که در جامعه‌ای متشکل از قوانین مختلف در حال زندگی است و این قوانین جهت برقراری نظم، آرامش و امنیت معین گردیده، کسی حق ندارد با قانون شکنی، این نظم و آرامش و امنیت جامعه را خدشه دار کند و با دستاویز قراردادن یک آیه - که هیچ ارتباطی به مورد بحث ندارد - باعث هرج و مرج در جامعه شود. کسی که در جامعه، تخلفی را مرتکب می‌شود باید او را از باب امر به معروف و نهی از منکر بدون ایجاد نفرت و با زبانی نرم نسبت به تخلف متذکر ساخت که اگر مسلمان است، حکم اجتماعی اسلام چیست و اگر اسلام را هم قبول ندارد، تبعیت از قانون [کشوری که در آن زندگی می‌کنند و از امکانات آن استفاده می‌کنند] بر همگان لازم الاجراست. اما زمانی که فرد متخلف بدون توجه به قوانین یاد شده شروع به فحاشی و قانون شکنی کند، چیزی جز هرج و مرج و فروپاشی قانون، آورده‌ای نخواهد داشت. کسی که در برابر قانون مقاومت می‌کند، در واقع در برابر قانون به مبارزه برخاسته است و با نظام قانونی حاکم اعلان جنگ می‌کند. اینجاست که قانون - که محوری آن نیروی انتظامی است - نیز در برابر گردن کلفتی و هنجارشکنی نیز باید مقابله کند تا جامعه با اختلال مواجه نشود.

خطر بزرگ‌تری که با این نوع برخورد در برابر قانون، جامعه را تهدید می‌کند، ترس و کنار کشیدن مجری قانون در برابر قانون‌شکن است. اتفاق بعدی، همان چیزی است که [دشمن برای آن به دقت برنامه‌ریزی کرده] و افراد هنجارشکن ساکت نخواهند نشست. قدم به قدم و سنگ‌به‌سنگ‌پیش خواهند رفت تا جامعه را به نقطه‌ای از اختلال برسانند که اصل حاکمیت و نظام موجود را با خطر مواجه سازند و قطعاً تبعات آن، تمامی افراد جامعه را در بر خواهد گرفت. قدم بدتر و بعدی آن است که پس از کنار کشیدن مأمور قانون، افرادی تند و دارای تعصب افراطی به میدان آمده و با رفتارهای خشونت‌آمیز، به آتش این هرج‌ومرج دامن زده [و حتی ممکن است موجبات یک جنگ داخلی را رقم بزنند]. اینجاست که همین افراد هنجارشکن و مخالفین حجاب که روزی مقابل نیروی انتظامی و مجریان قانون ایستاده و آنان را متهم می‌کردند، به پلیس روی آورده تا حق خود را بگیرند! این اتفاق، دو نتیجه را رقم خواهد زد: از یک سو فساد علنی در جامعه ریشه دوانده و جامعه را به سوی بی‌بندوباری و زوال اخلاق در جامعه سوق می‌دهد و از سوی دیگر، با کنار کشیدن مأمور و مجری قانون، مسیر برای هرج‌ومرج و کشیده شدن جامعه به سمت درگیری‌های اجتماعی باز خواهد شد.



اول اختلاس، دوم بی حجابی!

در مواجهه با بسیاری از قانون شکنان در مسئله حجاب، نکته‌ای بیان می‌شود که شاید به ظاهر، سخن درستی باشد؛ اما در قیاس با مسئله مورد نزاع، هیچ ارتباطی با محل بحث ندارد. زمانی که آمران به معروف، ناهیان از منکر و حتی مأموران قانون به هنگام برخورد با فرد بی حجاب، به وی تذکر می‌دهند، بارها مشاهده شده است که فرد متخلف، برخورد با تخلفات به ظاهر بزرگ‌تر نظیر اختلاس، دزدی و مشکلات اقتصادی را وظیفه اولویت‌دار این افراد برشمرده و از این طریق، از تن دادن به قانون تمرد می‌کنند! جالب اینجاست که به هنگام مواجهه با فساد مالی برخی از مسئولین نیز، متقابلاً سخن از لزوم پرداختن به مسئله اولویت‌دار بی حجابی به میان آورده و از این طریق، از تمکین در برابر قانون و حکم شرع شانه خالی می‌کنند.

کسی که از قانون و حکم شریعت سرپیچی کرده و به آن تن نمی‌دهد، دلیل نمی‌شود تا فرد دیگری نیز قانون را زیر پا بگذارد. اگر فسادی در گوشه‌ای از جامعه رخ نه پیدا کرده، آیا افراد دیگر به بهانه آن می‌توانند قانون را نادیده بگیرند؟ قطعاً این‌گونه نیست. این سخن مانند آن است که کسی چراغ قرمز را رد کرده باشد و فرد دیگری بگوید چون او این کار را انجام داده، من نیز سرقت می‌کنم! پس هر دو اشتباه است و باید در برابر هر دو تخلف ایستاد.

[قانون شکنی و فساد، در هر زمان و مکانی که باشد و به هر صورتی که انجام گیرد و در هر موضوعی که باشد به هیچ عنوان قابل قبول نیست.] در امر مملکت داری و زندگی در یک جامعه، هر بخشی مسئولی دارد و باید به وظیفه اش عمل نماید. هم باید مقابل اختلاس قرار گرفت و هم باید در برابر بی‌حجابی و فساد ایستاد. انتظار مردم هم که فسادهایی نظیر اختلاس را مشاهده می‌کنند و مقابله با آن را کم‌رنگ‌تر از مقابله با بی‌حجابی می‌بینند، انتظار به جایی است؛ اما دلیل نمی‌شود که با یکی برخورد کرد و با دیگری برخوردی نداشت.

همان‌گونه که بیان شد، تمامی کسانی که حجاب درست و محکمی ندارند، فاسد نیستند؛ اما ناآگاه هستند و گاه از روی تنبلی، گاه از روی جوّ ایجاد شده در جامعه، گاه از روی راحت‌طلبی، گاه نیز از

روی گرفتاری در گناه و گاهی به دلایل دیگری در این ورطه گرفتار می‌شوند. در میان این افراد، باید در مقابل دو گروه از آن‌ها ایستاد: اول، کسانی که اهل فساد سازمان دیده می‌باشند؛ کسانی که با ارتباط با عوامل داخلی و خارجی، به دنبال فضا سازی بوده و در صدد شکستن قانون و حکم خداوند هستند. زیرا این افراد علیه اصل قانون و اصل شریعت وارد جنگ شده و تا حد محارب پیش خواهند رفت. دوم، کسانی هستند که از طریق این هنجارشکنی به دنبال فساد و فحشا بوده و نحوه حضور آن‌ها در جامعه، توهین به جایگاه اصیل زن محسوب می‌شود. در غیر از این دو مورد، تخلفات افراد بی حجاب به مسئله تربیت و تعلیم بازمی‌گردد و باید با شیوه‌های تربیتی با آنان مواجه شد.

از جنبه دیگر، این افراد برای شانه خالی کردن از حکم شریعت و قانون، امریه معروف و نهی ازمنکر در جامعه را بی اثر می‌دانند؛ زیرا قائل اند که با جلوگیری از فساد و بی بندوباری، این قبیل تخطی‌ها به خلوتگاه‌ها و زیرزمین‌ها کشیده خواهد شد. باید توجه داشت که اولاً حکومت، در قبال باغات و زیرزمین‌ها مسئولیت [این چنینی] ندارد؛ این متن جامعه است که در معرض دید همگان بوده و حکومت موظف است شریعت، قانون و امنیت اخلاقی را در قبال آن پیاده کند. ثانیاً با استدلال

ایشان، استفاده از مواد مخدر و خرید و فروش آن در جامعه نیز باید آزاد باشد؛ زیرا با جلوگیری از آن، فساد در زیرزمین‌ها و مکان‌های مخفی ادامه خواهد داشت! درحالی‌که این‌گونه نیست و در صورت آزادی بی‌قید و بند، عموم جامعه که از دسترسی به مفاسد دور هستند، به آن نزدیک‌تر خواهند شد و وقتی راه گناه باز باشد سیل گناه، جامعه را با خود خواهد برد. ثالثاً اگر مقابله با فساد در جامعه جایی نداشته باشد، به راحتی می‌توان فردایی به مراتب بدتر و تاریک‌تری را برای جامعه پیش‌بینی کرد. چنان‌که در بسیاری از کشورها این‌گونه بوده [و چیزی به اسم خانواده و جامعه سالم کمتر مشاهده می‌شود].

جامعه پاک و ظاهر پاک

برخی تصور می‌کنند که قانون حجاب [از آنجا که امری به ظاهر سخت‌گیرانه بوده و رعایت آن دشوار به نظر می‌رسد]، به جای آنکه مقابل فساد را بگیرد، بالعکس موجب شیوع فساد خواهد شد! [درحالی‌که این تصور، توهمی بیش نیست و واقعیت امر، خلاف آن را ثابت کرده است.] حجاب قانونی، امری کاملاً ضد فساد است و بسیار واضح است که اگر پی‌حجابی در جامعه رواج داشته باشد و قانون هم آن را نادیده بگیرد، باعث می‌شود که هر کسی دنبال زن دیگری افتاده و جامعه به قهقرا و تباهی کشیده شود. اما وقتی حجاب در دستور کار جامعه باشد، اگر هم فردی جسارتی کرد، با وی برخورد سختی خواهد شد.

اینکه جامعه پاک زمانی پدید خواهد آمد که کسی کاری به کار دیگری نداشته باشد، ممکن است از زبان هر فاسدی نظیر دزد، اختلاس‌گر، متجاوز و... بیرون آید و لذا نمی‌تواند گزاره صحیحی برای آزادی حجاب به شمار آید. کسی هم نمی‌تواند مسئله حجابی که اکنون به بحرانی اجتماعی بدل شده است را محدود به مسئله دو تار مو کند. وضع حجابی که اکنون در جامعه مشاهده می‌شود، اسفناک‌تر از آن است که بتوان نام دو تار مو را بر روی آن نهاد و بسیار مشخص است که اگر امر پیشگیرانه و بازدارنده‌ای برای این معضل وجود نداشته باشد، نه تنها جامعه به پاکی نمی‌رسد؛ بلکه روز به روز به نقطه‌ای خواهد رسید که به بدترین شکل ممکن به نابودی کشیده شود. هیچ‌کس به این قائل نیست که اگر جلوی فساد گرفته شود، آن فساد در جامعه ریشه‌کن خواهند شد. چنین چیزی تاکنون نبوده و نخواهد شد. چیزی که مهم است، این است که حتی الامکان باید جلوی شیوع بیماری و فساد گرفته شود؛ وگرنه همچون بسیاری از کشورها، حد یقینی برای غوطه‌ور شدن در فساد وجود نخواهد داشت. [آیا با کنار گذاشته شدن قانون و عدم اهمیت به دستور شرع و نادیده گرفتن مصالح حجاب و مفاسد بی حجابی، می‌توان پاکی و قداست یک جامعه اسلامی را حفظ کرد؟] در این صورت، کسانی که به هر دلیلی نسبت به امر

حجاب بی تفاوت هستند، محدودیتی برای پوشش خود مشاهده نمی‌کنند و رفته‌رفته، قابل کنترل نخواهند بود. روایت‌هایی که در مورد نشانه‌های آخرالزمان وجود دارد و اتفاقات دنیای کنونی را به تصویر کشیده^۱ نیز ناظر به همین بی‌توجهی است که اکنون گریبان‌گیر جوامع شده است. اکنون در دنیای امروزی مشاهده می‌شود گناه و فساد علنی به اسم آزادی، به اسم حقوق بشر، به اسم کرامت مرد و کرامت زن رواج یافته است!

[از آنجاکه مسئلهٔ حجاب، بر هیچ‌کسی در جامعه پوشیده نیست و تقریباً تمامی آحاد جامعه را با خود درگیر کرده است] نباید تصور شود که تمام دین به حجاب باز می‌گردد؛ بلکه حجاب، همچون نماز و دیگر واجبات دینی، جزئی از دین به شمار می‌رود. [این به معنای نادیده‌گرفته‌شدن اهمیت و ضرورت حجاب نخواهد بود؛ حجاب و حیا و عفت جامعه، امری است که بی‌توجهی نسبت به آن، تمدنی نظیر آندلس را به نابودی خواهد کشاند.] حجاب، هم دارای بُعد ظاهری و هم دارای بُعد باطنی است که ظاهر آن پوشش و باطن آن حیا و عفت اخلاقی است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

شاید سؤال شود که چرا بسیاری از افراد دارای ظاهر موجه، از حیا به دور هستند و باطن تاریکی دارند؟ کسی که حجاب را رعایت می‌کند؛ اما از حیا برخوردار نباشد، کسی است که ریاکار بوده و به خود صدمه می‌زند؛ اما در کنار آن، کسی است که حقوق دیگران را رعایت کرده و جامعه را با فساد مواجه نساخته است. [همچنین رعایت پوشش، تضمین‌کننده حیا نیست؛ بلکه فراهم‌کننده شرایط برخورداری از حیا بوده و لازمه بهره‌مندی جامعه از عفت، اخلاق می‌باشد.] ناگفته نماند که برخی از افراد، به گونه‌ای از پوشش و چادر استفاده می‌کنند که اگر استفاده نکنند شاید وجهه بهتری داشته باشد! این، چیزی جز فریب نیست و نام حجاب و پوشش را نمی‌توان بر روی آن نهاد.

پلیس، منشأ امنیت یا رعب؟

[روشن است که قانون، برای احتراز از اختلال نظام و پیش‌گیری و رفع هرج‌ومرج برای هر جامعه‌ای ضروری است و اجرای آن از سوی حاکمیت، امری بدیهی خواهد بود. زمانی که اهمیت حفظ پوشش از نگاه اسلام و دیگر ادیان روشن گردید، ضرورت اجرای قانون مرتبط با آن نیز دوچندان می‌شود. از همین رو، پلیس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجریان قانون و تأمین‌کننده امنیت در برابر قانون‌شکنان، موظف است مأموریت خود را به نحو احسن به انجام برساند. همچنان که پلیس در هر حاکمیتی موظف است خاطیان را متذکر نموده و با آنان برخورد نماید.]

[اما امروزه جامعه ایران دچار یک نوع بدفهمی نسبت به عملکرد پلیس شده‌اند که] پلیس، به‌جای آنکه مأمِن امنیت و ثبات باشد، چرا در قضیه برخورد با بی‌حجابی منشأ دهره و رعب

شده است؟ [این امر، مسلماً از سوی شبهه‌پراکنان و معاندین ارائه شده و به اذهان مردم القا می‌شود؛ درحالی‌که باید توجه داشت] پلیس باید مأمّن مردم و منشأ دهرهٔ مجرمین باشد. مجرم، در هر عمل مجرمانه و قانون‌شکنانه‌ای که قرار بگیرد، پلیس با برخورد با او در پی تأمین امنیت مردم و استیفای حق مظلوم است و طبیعتاً این برخورد، ارباب مجرم را به دنبال خواهد داشت.

[اشتباه برخی در عملکرد پلیس در قبال بدحجابی، آن است که یا از ابعاد قانونی بی‌حجابی و وظایف پلیس آگاهی ندارند؛ یا بی‌حجابی را ضدقانون و عمل مجرمانه نمی‌دانند؛ یا وظیفهٔ پلیس را برخورد با قانون‌شکنی نمی‌دانند و یا به دنبال هرج‌ومرج و مقابله با قانون و مجریان قانون هستند.] درهرصورت، نباید بی‌حجابی را چیزی غیر از جرم‌های دیگری نظیر دزدی دانست. شخص دزد، زمانی که با مأمور قانون مواجه می‌شود، طبیعتاً مرعوب شده و نمی‌تواند نسبت به عملکرد پلیس متعرض شود که چرا باعث رعب و ترس او شده است؟! پلیس به دنبال تأمین امنیت صاحب‌خانه و مرعوب کردن دزد است و اصلاً وظیفهٔ پلیس، آن را ایجاد می‌کند.

کسانی که اصل وظیفهٔ پلیس در برخورد با بی‌حجابی را می‌پذیرند ممکن است اشکال کنند که نوع برخورد پلیس در این موضوع حساس، صحیح به نظر نمی‌رسد و حتی توهین‌آمیز است که در

انسان بذر کینه نسبت به دین خواهد کاشت و شاید بیشتر از بی‌حجابی به دین ضربه وارد کند! واقعیت این است که اثبات چنین چیزی به هیچ‌عنوان مشخص نیست؛ لکن باید توجه داشت که از یک‌سو [قدرت رسانه در اثرگذاری بر اذهان فراتر از تصور است و] ساختگی بودن برخی از روایت‌های موجود در رسانه‌ها، بسیار واضح است. از سوی دیگر، بر فرض که این‌گونه نباشد، باید به دو مسئله توجه کرد: اولاً بر فرض که پلیس، قانون را درست اجرا نکرده باشد و [به دلیل رفتار تنش‌آمیز قانون‌شکن] با عصبانیت برخورد کرده باشد، نباید به دلیل رفتار اشتباه یک مجری قانون، اصل قانون را زیر سؤال برد. پس اگر اشکالی باشد، متوجه مجری قانون است؛ نه خود قانون. ثانیاً [همچنان که در بسیاری از موارد مشاهده شده] زمانی که فرد بی‌حجاب اقدام به قانون‌شکنی می‌کند و در مقابل برخورد و تذکر نرم و مؤدبانه پلیس، اقدام به فحاشی و تهدید می‌کند، چه رفتاری باید داشت؟ آیا راهی جز بازداشت این فرد - که ممکن است با ظاهر خشونت هم همراه باشد - وجود دارد؟

[عدم اقدام مجری قانون و کوتاهی در برابر کسانی که از طریق قانون‌شکنی به دنبال ضربه به حکومت و مردم هستند، امری کاملاً غیرعقلانی است و در هیچ کشور و حاکمیتی در دنیا پذیرفته

نیست. اتفاقاً این پلیس است که در اغلب موارد مورد مظلومیت قرار گرفته است. با مقایسه کوچک میان نوع برخورد پلیس جمهوری اسلامی ایران با برخورد پلیس کشورهای دیگر در مقابل هنجارشکنان، می‌توان به این مظلومیت پی برد.

اگر مسئولیت قانونی پلیس در مواجهه با منکر در جامعه نادیده گرفته شود، چه کسی وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر را برعهده خواهد گرفت؟ [آیا نظامی که برآمده از شریعت اسلام است، در قبال این امر مهم دینی باید بی‌تفاوت باشد؟ باین وجود، دیگر چه تفاوتی میان کشور اسلامی با کشورهای لیبرالی خواهد بود؟ اصلاً چرا انقلابی صورت گرفت و چه فرقی بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب خواهد بود؟] با کنار رفتن مجری قانون (پلیس در امر حجاب)، این مردم دغدغه‌مند هستند که [با آگاهی و یا بدون آگاهی] ممکن است در حوزه امر به معروف و نهی از منکر ورود کنند و همین امر، چالش دیگری را برای جامعه رقم خواهد زد. چراکه اولاً افراد قانون‌شکن در مقابل این افراد، از نداشتن حق قانونی مردم عادی در برخورد با منکر سخن خواهند گفت؛ همان کسانی که هنگام برخورد پلیس و مجری قانون، از هیچ تلاشی برای مقابله با آن‌ها فروگذار

نمی‌کنند! ثانیاً ممکن است با برخورد تنش‌آمیز و جاهلانه برخی از مردم در قبال افراد هنجارشکن، مقدمات آشوب در جامعه رقم بخورد.

این در حالی است که اسلام، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را هم وظیفه حکومت می‌داند و هم وظیفه مردم می‌داند؛ لکن مردم، تنها در حد تذکر لسانی و گفت‌وگو باید ورود کنند؛ نه بیشتر. اتفاقاً زمانی که مردم نقش اصلی را در امر به معروف و نهی از منکر و به صورت صحیح ایفا کنند، اثر آن از ورود پلیس بسیار بیشتر خواهد بود؛ زیرا اگر منکری در جامعه توسط فردی سر بزند و دائماً از سوی مردم مورد تذکر قرار گیرد، قطعاً فرد خاطی پس از مدت کوتاهی خجالت خواهد کشید. اما ورود پلیس هم در مواقعی که افراد هنجارشکن به هیچ تذکر و امر و نهی مردمی اعتنائی نمی‌کنند ضروری است تا قانون‌شکن بداند اگر او قانون را قبول ندارد، قانون نیز او را قبول ندارد.

فرهنگ‌سازی، به جای بگیر و ببند!

برخی بر این باورند که به جای ایستادگی و برخورد قهری در برابر مسئله بی‌حجابی، بهتر است - و حتی می‌بایست - که از طریق کار فرهنگی نسبت به حل آن اقدام کرد. [کسانی که با وجود تحرکات واضح دشمنان نسبت به مسئله بی‌حجابی، آن راتنها مسئله‌ای فرهنگی قلمداد می‌کنند، باید جنبه‌های دیگر آن (نظیر ابعاد سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی را که به عیان رقم خورده) را نیز ببینند و بدانند زمانی که پای قانون و حقوق مردم به میان می‌آید] صرفاً کار فرهنگی پاسخگو نیست. باید در کنار کار فرهنگی، قانون نیز اجرا گردد [و این دو، نه در مقابل هم؛ بلکه مکمل یکدیگر هستند]. در مسئله رانندگی، هم باید به مردم آموزش‌های لازم را داد تا تخلفی از آنان سر نزنند و هم در کنار آن، با متخلفین رانندگی برخورد کرد تا قانون نیز اجرا شده و حقوق عمومی زایل نشود.

[تبدیل شدن این معضل به مسئله‌ای که سیاست، امنیت و... را نیز درگیر خود کرده است، چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت.] شاید در برخی موارد، مسئله به صورت شخصی به وجود آمده و شاید هم از سوی برخی جریان‌ات مدیریت می‌شود. آنچه که مسلم است، آن است که اگر مطالبات اجتماعی از سوی اغراض شخصی ایجاد گردد، باز هم جریان‌ات [معاند] بر روی آن سوار شده و آن را به معضلی سیاسی و امنیتی بدل می‌کنند. [این مسئله، همان چیزی است که گفته می‌شود تنها با فرهنگ‌سازی قابل حل نیست؛ بلکه علاوه بر بحث قانونی بودن آن، ابعاد دیگری نیز متوجه آن شده است که در قبال هر یک، باید موضع متناسب با آن را اتخاذ نمود.] کسانی که با بازی خوردن در زمین بدخواهان، قربانی نقشه‌های شوم دشمنان شده‌اند (نه کسانی که خود، بازیگر و پیاده نظام دشمنان هستند) و اغلب آن‌ها را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، [حساب و کتاب دیگری دارند و] نباید جزو بازداشت‌شدگان [و دیگر مجرمین] قرار گیرند؛ بلکه باید آن‌ها را مجبور کنند تا یک ترم مطالعات تاریخ، سیاست و... بگذرانند و نمره خوب و قابل قبولی را کسب کنند و سپس رها شوند.

حجاب، تکریم آن کسی است که در حجاب است.

حجاب زن، تکریم زن است.

مسأله حجاب،

مسأله ای است که اگرچه مقدمه ای است برای چیزهای بالاتر،

اما خود یک مسأله ارزشی است.

حجاب، «صدفی» است

برای حفظ گوهر وجود زن.

که به دنبال ارتباط بیشتر
مجتان سیدالشهدا (ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

www.1542.org
info@1542.org
۱۱ ۱۴ ۳۸ ۷۵ - ۰۲۵
۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
www.1542.org
info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گرد آمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعهای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است